



تصمیم‌سازی راهبردی مدیریت ریسک حریق در مجتمع تجاری آفتاب گرگان با استفاده از مدل هوش مصنوعی

بیژن مقصدلو کمالی^۱، رضا جعفری ندوشن^۲، محمد نوری^{۳*}

چکیده

مقدمه: امروزه مجتمع‌های تجاری از مهم‌ترین مراکز خرید شهرها و یکی از زیرساخت‌های مهم توسعه شهری، به شمار می‌روند. برای پیشگیری از بروز حوادث و بلايا از جمله آتش‌سوزی این مراکز، ارزیابی و مدیریت آتش، امری ضروری و حیاتی می‌باشد. چراکه به دلیل افزایش تراکم جمعیت در آن‌ها و کندی دسترسی‌ها به فضای خارج و امن هنگام وقوع حادثه، موجبات افزایش تلفات انسانی و خسارات مالی، فراهم خواهد شد. هدف از پژوهش حاضر، تصمیم‌سازی راهبردی مدیریت ریسک حریق در مجتمع تجاری آفتاب گرگان با استفاده از مدل هوش مصنوعی می‌باشد.

روش کار: در این مطالعه از نوع تحلیل-کاربردی می‌باشد که ابتدا کلیه مستندات فنی، اعم از ویژگی‌های فنی-کالبدی و شهرسازی، سیستم اعلام و اطفاء مجتمع تجاری تحت مطالعه، بررسی شد. آنگاه مؤلفه‌های مهم و اثرگذار حاکم بر طرح مزبور شناسایی و با پرسشنامه‌های دلفی، وزن دهی و مقایسه زوجی گردیده و سپس با استفاده از ماتریس SWOT، استراتژی‌های چهارگانه طراحی و تدوین و پس از ترسیم درخت سلسله مراتبی برای مدل‌سازی و تعیین اولویت استراتژی‌ها آماده گردید.

یافته‌ها: با توجه به خروجی مدل‌سازی‌های انجام‌شده در قالب نرم‌افزارهای Neuro- و Matlab Solution 5، مشخص گردید که در وزن دهی و رتبه‌بندی استراتژی‌های هشت‌گانه طراحی‌شده، فقط یک استراتژی در هر دو مدل هم‌رتبه (و واجد اولویت یکسان) شده و سایر سناریوها متفاوت بودند. بنابراین تلفیق استراتژی‌ها برای مدیریت ریسک حریق، ضروری تشخیص داده شد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که استراتژی اتخاذ رویکرد مدیریت سیستمی و راهبردی- عملیاتی ریسک حریق در طرح مجتمع تجاری آفتاب (۳) گرگان، با اهتمام ویژه نسبت به بهینه‌سازی فضاهای فیزیکی و سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق و همچنین پیاده‌سازی نظام طبقه‌بندی مشاغل و تعالی مستمر نظام HSE-MS و مدیریت بحران، ایده‌آل‌ترین استراتژی ممکن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تصمیم‌سازی راهبردی، ریسک حریق، هوش مصنوعی، مجتمع‌های تجاری، مدل‌سازی.

مقاله پژوهشی



تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۳۱

ارجاع:

مقصودلو کمالی بیژن، جعفری‌ندوشن رضا، نوری محمد. تصمیم‌سازی راهبردی مدیریت ریسک حریق در مجتمع تجاری آفتاب گرگان با استفاده از مدل هوش مصنوعی. بهداشت‌کار و ارتقاء سلامت ۱۳۹۹؛ ۴(۳): ۲۰۹-۱۹۶.

^۱ گروه HSE، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی؛ دانشگاه آزاد اسلامی- واحد میبد، میبد، ایران

^۲ گروه مدیریت سلامت؛ ایمنی و محیط زیست؛ دانشکده بهداشت؛ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

^{۳*} کارشناسی ارشد مدیریت محیط زیست (HSE)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، میبد، ایران

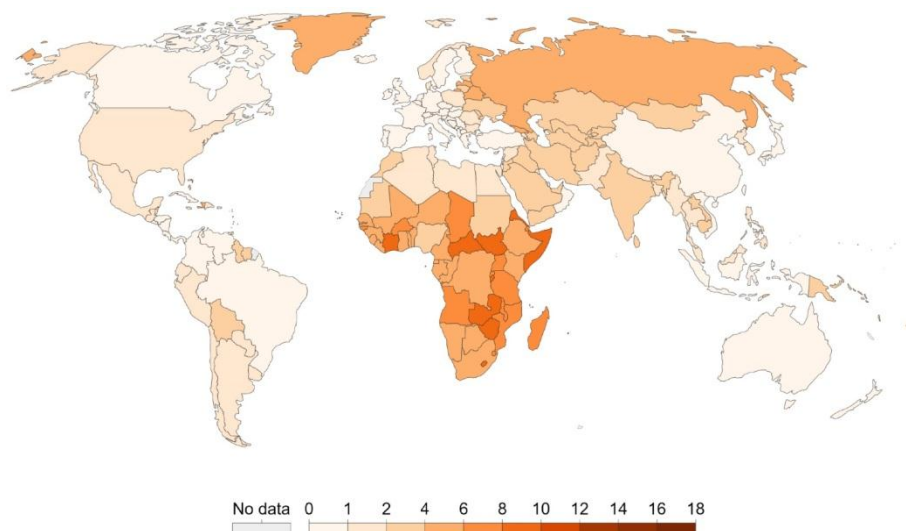
(نویسنده مسئول: Email: mohammadnouri12@gmail.com)



مقدمه

آتش‌سوزی یا حریق، یکی از قدیمی‌ترین بلایایی است که می‌تواند در زمان کوتاه، دارایی و سلامتی افراد را به مخاطره اندازد و در واقع مهم‌ترین خطری است که همواره و در هر لحظه، مراکز بزرگ تجاری-اداری را تهدید می‌نماید (۱). زیرا به دلیل افزایش تراکم جمعیت در آن‌ها و نیز به‌واسطه‌ی عدم دسترسی سریع به فضای امن و خارج در زمان وقوع حادثه، تخلیه‌ی جمعیت مراجعه‌کننده، بسیار سخت و حیاتی بوده تا از افزایش تلفات انسانی، پیشگیری به عمل آید (۲). گزارش‌های جهانی منتشره که در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که در بازه‌ی زمانی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ از ۵۷ کشور دنیا با جمعیت ۳/۹ میلیارد نفر، ۴/۵-۲/۵ میلیون حریق و ۱۷ الی ۶۲ هزار مرگ

ناشی از حریق به سازمان‌های آتش‌نشانی گزارش شده است. بالاترین تعداد حریق‌ها با در نظر گرفتن جمعیت، متعلق به قبرس، رژیم اشغالگر صهیونیستی و سورینام و بالاترین تعداد مرگ ناشی از حریق با در نظر گرفتن جمعیت متعلق به بلاروس، روسیه و اوکراین بوده است (۳، ۱). پیشرفت علم و تکنولوژی، تغییر در فرآیندها و روش‌های تولید، استفاده‌ی روزافزون از مواد شیمیایی گوناگون و به‌طور کلی، تغییرات عمده در سبک زندگی و کار، تدابیر جدی‌تر و اثربخش‌تری را به‌منظور آمادگی و مقابله با آتش‌سوزی و اثرات ناشی از آن می‌طلبد (۴). شکل (۱)، نقشه پراکندگی تفکیک تلفات جانی ناشی از حریق، حرارت و مواد داغ به ازای هر صد هزار نفر را نشان می‌دهد.



شکل ۱: نقشه پراکندگی تفکیک تلفات جانی ناشی از حریق، حرارت و مواد داغ به ازای هر صد هزار نفر (WHO, 2016)

برخورداری از تجهیزات پیشرفته‌ی ایمنی و آتش‌نشانی، به‌تنهایی جوابگوی نیازها نیست و بهره‌گیری از یک برنامه جامع، جهت شناسایی پتانسیل‌های آتش و ارائه راهکارهایی به‌منظور مواجهه با حوادث مربوط به آن، ضرورتی انکارناپذیر است (۲). مجتمع تجاری مورد مطالعه در این پژوهش یک مجتمع تجاری بزرگ در منطقه‌ی شمال کشور می‌باشد که با بیش از ۲۸۰ واحد تجاری، روزانه پذیرای خیل عظیمی از شهروندان

می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش، آسیب‌شناسی راهبردی مراکز بزرگ تجاری، از منظر پتانسیل ریسک حریق و بهره‌گیری از رویکرد مدل‌سازی در مدیریت راهبردی ریسک حریق بر پایه‌ی روش‌شناسی موردنظر و خروجی‌های پایانی مورد انتظار، طراحی یک سیستم فراگیر و ارائه استراتژی‌های راهبردی - عملیاتی با استفاده از مدل هوش مصنوعی و شبکه‌ی عصبی مصنوعی (نرم‌افزار Neuro-Solution 5) بوده است.



روش بررسی

ابتدا کلیه‌ی آمار، اطلاعات، مستندات و مدارک فنی، اعم از ویژگی‌های فنی-کالبدی و شهرسازی و سیستم اعلام و اطفاء حریق در مجتمع تحت مطالعه، مورد بررسی و آنالیز قرار گرفت. آنگاه آسیب‌شناسی راهبردی و تعیین عوامل اثرگذار بیرونی و درونی در ارتباط با نقش‌آفرینی عوامل محیطی و منابع ریسک و خطر آتش‌سوزی، به همراه تعیین فاکتورها و پارامترهای مؤثر در تصمیم‌سازی راهبردی ریسک آتش به موردا اجرا گذاشته شد (۵) و نهایتاً طیف سناریونگاری استراتژیک و انواع برنامه‌های راهبردی مقتضی، طراحی گردید. برای آن دسته از تجزیه و تحلیل‌های فنی-تخصصی موردنظر که ماهیت آن‌ها پردازش‌های کیفی و توصیفی مبتنی بر تجارب حرفه‌ای پژوهشگر بوده، از نظرات خبرگان استفاده شایسته به عمل آمده است. (۶، ۷) معیار انتخاب خبرگان رویکرد دلفی در ارتباط با انواع گروه‌های هدف می‌باشد. استفاده از روش دلفی به عنوان رویکردی اثربخش و درعین حال متداول در سطوح بین‌المللی و ملی در راستای حصول دستیابی به توافق نظر آرای خبرگان حرفه‌ای با انجام مقایسات زوجی پارامترها و فاکتورهای کلان و خرد مؤثر در فرآیند تصمیم‌سازی، با طراحی پرسشنامه‌های دلفی صورت پذیرفت (۸، ۹)، یکی از مباحث بسیار بنیادی در بهره‌مندی از تکنیک پرسشنامه دلفی، تعیین جامعه آماری تحقیق است؛ به گونه‌ای که نتایج قابل دستیابی ناشی از آنالیزهای به عمل آمده بر روی شاخص‌های مطالعاتی جامعه‌ی آماری منتخب، قابلیت تعمیم به کل جمعیت تحت پوشش محدوده‌ی مطالعاتی تحقیق را داشته باشد (۱۰، ۱۱) بر این مبنای جهت استناد علمی برآورد تعداد پرسشنامه‌ی دلفی، منابع و مراجع علمی مختلف، تحت بررسی دقیق کارشناسی، قرار گرفته و نهایتاً با توجه به جمیع جوانب مؤثر در تصمیم‌گیری موردنظر و جمعیت محدود اثرگذار و اثرپذیر از طرح مزبور، برای استخراج تعداد پرسشنامه‌ها از فرمول کوکران اصلاحی برای جوامع محدود استفاده شد. و تعداد ۳۱ پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار گرفت. (۱۲، ۱۳) با توجه به حجم زیادی از داده‌ها، اجرای عملیات پردازش و آنالیز بر روی

آن‌ها، استفاده از نرم‌افزار SPSS25 به جهت سهولت استفاده، ارائه خروجی‌ها در محیط گرافیکی بسیار عالی، قابلیت محاسبه‌ی پارامترهای تحلیل آماری بدون نیاز به برنامه‌نویسی و نیز دارا بودن محیط برنامه‌نویسی برای کاربران حرفه‌ای مورداستفاده قرار گرفت (۱۴، ۱۵). بهره‌مندی از شبکه‌ی عصبی مصنوعی در این پژوهش کمک شایانی جهت رسیدن به نتایج مناسب و دقیق این تحقیق نمود. شبکه‌های عصبی مصنوعی الگوهایی برای پردازش اطلاعات هستند که با تقلید از شبکه‌های عصبی مغزی انسان ساخته شده‌اند (۱۶، ۱۷). سیستم پردازش دیتاها در شبکه‌های عصبی مصنوعی دارای ساختار جدید بوده و این شبکه‌ها از تعداد زیادی عناصر پردازنده‌ی متصل به هم تشکیل یافته‌اند که به صورت هماهنگ با یکدیگر کار می‌کنند. (۱۸، ۱۹) درک بهتر چگونگی عملکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی، نیازمند آشنایی با شبکه‌ی عصبی مغزی و عملکرد سلول‌های آن است. (۲۰، ۲۱) مغز انسان، از میلیون‌ها نرون عصبی منحصر به فرد تشکیل شده و این رشته‌های عصبی، به اشکال و اندازه‌های مختلف، تغییر می‌کنند (۲۲، ۲۳). تکنیک دیگری که در این تحقیق مورداستفاده قرار گرفته است نرم‌افزار Matlab می‌باشد این نرم‌افزار یک زبان برنامه‌نویسی سطح بالای نسل چهارم و یک محیط تعاملی برای محاسبات عددی، تجسم و برنامه‌نویسی می‌باشد که از ترکیب دو واژه (Matrix، ماتریس و Laboratory آزمایشگاه) ایجاد شده است، این نام، حاکی از رویکرد ماتریس محور بودن است که در آن حتی اعداد منفرد نیز به صورت (1x1) در نظر گرفته می‌شود. آخرین تکنیک بکار رفته در این پژوهش استفاده از نرم‌افزار Neuro-solution5 می‌باشد. نرم‌افزاری قدرتمند با قابلیت‌های فراوان است. محیط جذاب و جدا نمودن سطوح مختلف کاربری، همچنین وجود یک راهنمای دقیق و مرحله به مرحله از ویژگی‌های این نرم‌افزار است. برای شناخت تهدیدها و فرصت‌های حاکم بر طرح و بازشناسی نقاط قوت و ضعف داخلی و نیز طراحی و تدوین راهبردها جهت هدایت بهینه و پایدار سیستمی، از ماتریس SWOT استفاده شده است. ماتریس "سوات" (SWOT) که بعضاً "توس" (TOWS) نیز نامیده می‌شود، ابزاری برای



در همین راستا، جدول (۱)، معرف ماتریس SWOT برای ترسیم طیف سناریونگاری مشروحه می‌باشد. با بهره‌گیری از کلیه‌ی دستاوردهای قبلی مطالعات و در راستای ورود به مرحله‌ی مدل‌سازی پیش‌بینی‌شده درخت سلسله‌مراتبی موردنظر، طراحی و ترسیم گردید. شکل (۲)، نشان‌دهنده‌ی این درخت در فرآیند مدل‌سازی تصمیم‌گیری طرح آفتاب (۳) گرگان می‌باشد.

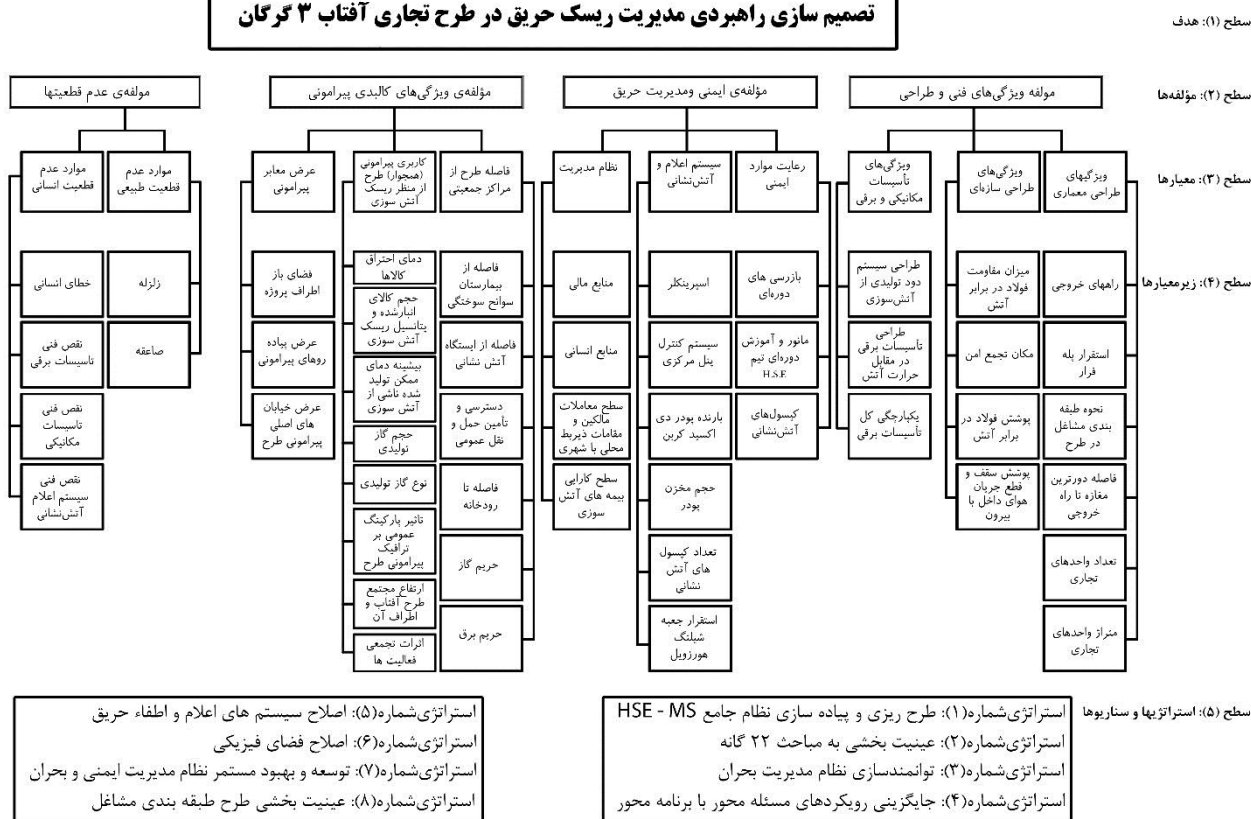
شناخت تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی یک سیستم و نیز بازشناسی نقاط ضعف و قوت‌های داخلی آن، به‌منظور سنجش وضعیت استراتژیک و همچنین طراحی و تدوین راهبردها (استراتژی‌ها) می‌باشد که یک چهارچوب مفهومی برای تلفیق عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر سیستم و پایه‌گذاری راهبردهای کارآمد و اثربخش بر اساس تعامل متغیرهای مزبور، ایجاد نموده و ابزاری توانمند برای ترغیب تصمیم‌گیران، جهت یافتن تاکتیک‌ها و اقدامات مؤثرتر و پایدارتر به شمار می‌رود (۵).

جدول ۱: ماتریس SWOT مدیریت ریسک حریق در مجتمع تجاری آفتاب

تهدیدها (Threats)	فرصت‌ها (Opportunities)	عوامل اثرگذار خارجی
T ₁ - ضعف ماهیتی مقررات ملی ساختمان در مبحث (۱۳) و ناکافی بودن الزامات آن برای مجتمع‌های تجاری و اداری استان گلستان	O ₁ - پشتیبانی مدیران طرح آفتاب از تمهیدات و برنامه‌های HSE	عوامل اثرگذار داخلی
T ₂ - ضعف بودجه‌ای اداره کل کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان گلستان برای انجام مانورهای آمادگی حریق	O ₂ - استقرار ایستگاه آتش‌نشانی در محدوده‌ی دو کیلومتری طرح آفتاب	
T ₃ - ناتوانمندی نیروهای امدادی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری گرگان به دلیل عدم کفایت و اثربخشی دوره‌های آموزشی لازم و مربوط	O ₃ - استقرار بیمارستان سوانح سوختگی در محدوده ۲ کیلومتری طرح آفتاب	
استراتژی‌های ST (محافظه‌کارانه یا اقتضایی) توانمندسازی نظام مدیریت بحران طرح آفتاب گرگان و ریسک‌های ایمنی آن	O ₄ - طراحی و اجرای سه خیابان عریض، جهت دسترسی مؤثر تیم‌های امدادی در هنگام آتش‌سوزی	
استراتژی عملیاتی‌سازی رویکرد مدل‌سازی در رفتارسنجی سیستم طرح آفتاب گرگان و پیش‌بینی آینده‌ی طرح	استراتژی‌های SO (جاه طلبانه یا تهاجمی) طرح‌ریزی نظام جامع HSE-MS و مبحث ۱۳ مقررات ملی ساختمان در زمینه‌ی پیشگیری از حریق	نقاط قوت (Strengths)
برنامه‌محور در رفع متصلات ایمنی طرح آفتاب گرگان	اهتمام جدی مدیران طرح آفتاب گرگان نسبت به پیاده‌سازی کلیه استانداردهای مقررات ملی ساختمان و آئین‌نامه‌های سازمان آتش‌نشانی کشور	
توسعه و بهبود مستمر نظام مدیریت ایمنی طرح آفتاب گرگان	استراتژی‌های WO (اصلاح‌گرایانه یا ترمیمی) ایجاد بستر مناسب به‌منظور جلوگیری از خطر با بهره‌گیری از استانداردهای ایمنی و مراکز تحقیقاتی	
	بهره‌گیری از حمایت‌های مالی و پشتیبانی مقامات شرکت عمران و بافت فرسوده استان گلستان در جهت اصلاح فضای فیزیکی طرح آفتاب گرگان	
		نقاط ضعف (Weaknesses)



تصمیم‌سازی راهبردی مدیریت ریسک حریق در طرح تجاری آفتاب ۳ گرگان



شکل ۲: درخت سلسله‌مراتبی طرح آفتاب از منظر ریسک حریق

یافته‌ها

در این تحقیق، بر اساس مؤلفه‌ها، معیارها و زیرمعیارهای پرسشنامه‌های دلفی طراحی‌شده، یک سری متغیر توسط افراد گروه‌های هدف منتخب، مقایسه‌ی زوجی و نمره‌دهی شدند تا نهایتاً متناسب با نمره‌دهی و امتیاز همان پارامترها، استراتژی‌های پیشنهادی، اولویت‌بندی شوند و این دقیقاً همان چیزی است که از شبکه‌ی عصبی مصنوعی انتظار می‌رود. ضمناً با توجه به اینکه انتظار می‌رود پیش‌بینی اولویت استراتژی‌های ۸ گانه‌ی طراحی‌شده، در یک بازه‌ی زمانی آینده صورت پذیرد، لذا در پژوهش حاضر، به دو شبکه‌ی عصبی، نیاز می‌باشد. به گونه‌ای که شبکه‌ی عصبی اول، مقادیر امتیازدهی وزنی مؤلفه‌ها، معیارها و زیرمعیارها را نسبت به زمان سنجش آن‌ها مدل‌سازی نماید تا در یک مقطع زمانی خاص در آینده، مقادیر امتیازدهی شده را

پیش‌بینی نماید و شبکه‌ی عصبی دوم، فرآیند مدل‌سازی استراتژی‌های اولویت‌بندی شده را نسبت به مقادیر امتیازی مؤلفه‌ها، معیارها و زیرمعیارها به مورد اجرا گذارد. به عبارت دیگر بر پایه‌ی این الگوریتم، خروجی شبکه‌ی عصبی اول (یعنی مقادیر نمره‌دهی شده‌ی مؤلفه‌ها، معیارها و زیرمعیارها در یک‌زمان خاص از آینده)، به ورودی شبکه‌ی عصبی دوم داده می‌شود، تا استراتژی‌های اولویت‌بندی شده در یک‌زمان خاص از آینده، پیش‌بینی شود.

مدل شبکه‌ی عصبی اول در نرم افزار Matlab

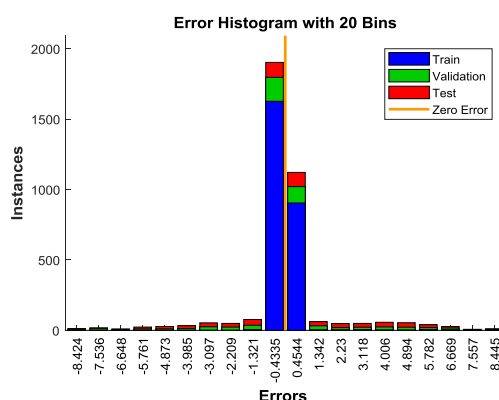
در پژوهش حاضر، جهت مدل‌سازی داده‌ها در نرم‌افزار Matlab، از یک شبکه‌ی عصبی با مدل پرسپترون چندلایه (MLP) با یک‌لایه پنهان و ۲۵ نورون و تابع فعالیت tansig

و خطا و بهینه‌سازی، ۲۵ نورون انتخاب شد. نتایج خروجی مدل‌سازی شبکه‌ی عصبی اول، طی جدول (۲) نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود داده‌های آموزش به خوبی در شبکه پاسخ داده‌اند و درنهایت، مقدار R^2 را برابر $0/981660$ نشان می‌دهد. داده‌های اعتبارسنجی و تست نیز مقادیر به نسبت متوسطی را نشان می‌دهد، مقادیر آن‌ها نسبت به داده‌های آموزش، کمتر است که بر اساس ماهیت شبکه‌ی عصبی و تعداد داده‌های این تحقیق، مقادیر قابل قبولی می‌باشد.

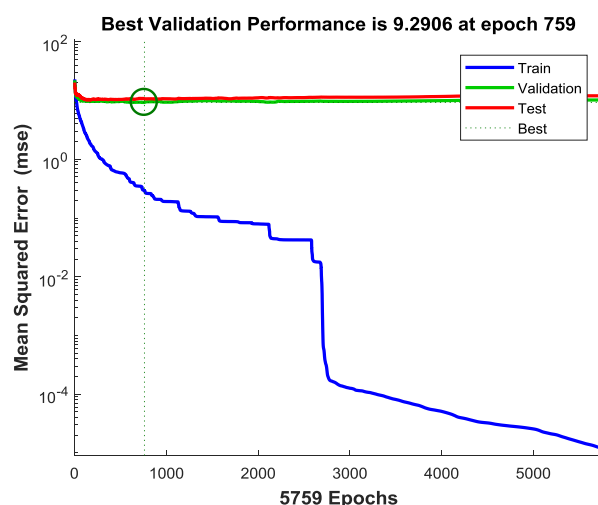
برای لایه پنهان و لایه خروجی، استفاده گردیده و داده‌های مورد استفاده برای این مدل شبکه‌ی عصبی، به سه دسته‌ی آموزشی، ارزیابی و آزمایشی تقسیم‌بندی شدند. بر این اساس، ۷۰ درصد داده‌ها برای آموزش و ۱۵ درصد داده‌ها برای ارزیابی و ۱۵ درصد داده‌ها برای آزمایش تعلق گرفت. درنهایت، این شبکه با استفاده از الگوریتم شیب توأم مقیاس شده، آموزش داده شد. تعداد نورون‌های مورد استفاده در شبکه‌ی عصبی اول، با سعی

جدول ۲: آنالیز پارامترهای ارزیابی آماری و خطاها در شبکه‌ی عصبی اول

پارامتر	آموزش	ارزیابی	آزمایشی	همه داده‌ها
R^2	۰/۹۸۱۶۶	۰/۴۰۲۴۷	۰/۲۱۹۷۳	۰/۷۹۰۳۴
RMSE	۰/۵۴۲۴	۳/۰۴۸۰	۳/۲۸۰۳	۱/۸۰۳۷۱



شکل ۳: هیستوگرام خطا برای شبکه‌ی عصبی اول



شکل ۴: عملکرد شبکه‌ی عصبی اول برحسب تعداد تکرار

tansig برای لایه‌ی پنهان و لایه‌ی خروجی، استفاده شده است. داده‌های مورداستفاده برای این مدل به سه دسته آموزشی، ارزیابی و آزمایشی تقسیم‌بندی شده و بر این اساس، ۷۰ درصد داده‌ها، برای آموزش و ۱۵ درصد داده‌ها برای ارزیابی و ۱۵ درصد داده‌ها برای آزمایش تعلق گرفت. درنهایت، این شبکه، با استفاده از الگوریتم شیب توأم مقیاس شده آموزش داده شد. تعداد نورون‌های مورداستفاده در شبکه‌ی عصبی دوم، با سعی و خطا و بهینه‌سازی ۲۵ نورون انتخاب شد. نتایج خروجی مدل‌سازی شبکه‌ی عصبی دوم، طی جدول (۳) نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، داده‌های آموزش به‌خوبی در شبکه پاسخ داده‌اند و درنهایت، مقدار R^2 را برابر $0/89668$ نشان می‌دهد. داده‌های اعتبارسنجی و تست نیز مقادیر به نسبت متوسطی را نشان داده و مقادیر آن‌ها نسبت به داده‌های آموزش، کمتر است که بر اساس ماهیت شبکه‌ی عصبی و تعداد داده‌های این تحقیق، مقادیر قابل قبولی می‌باشد.

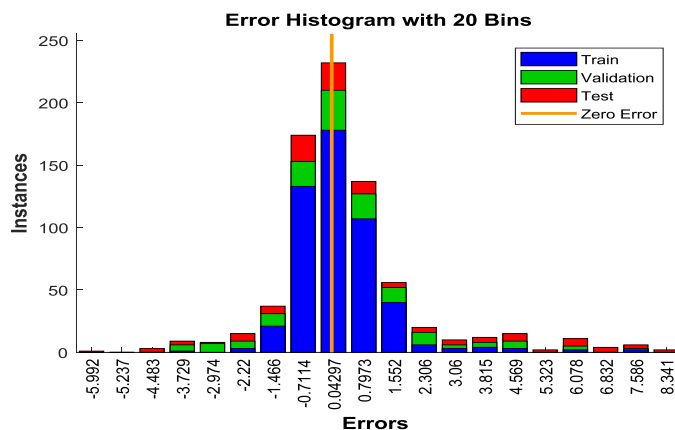
نمودار توزیع هیستوگرام خطا برای شبکه‌ی اول، تمرکز داده‌های مربوط به آموزش را عمدتاً نزدیک صفر نشان می‌دهد و تعداد کمی از داده‌ها، حول نقطه صفر پراکنده‌اند که نشان می‌دهد شبکه، به‌خوبی آموزش‌دیده است و میله‌های خطا نزدیک صفر است. در بخش داده‌های اعتبارسنجی، عمده توزیع خطاها، در محدوده‌ی ۱ و -۱ می‌باشد و تعداد کمی از داده‌ها از این محدوده‌ی خارج شده‌اند. داده‌های آزمایشی نیز شرایط مشابه با بخش اعتبارسنجی دارند. تابع عملکرد شبکه‌ی عصبی اول برای ارزیابی مدل، MSE می‌باشد. در جدول (۳) برحسب تعداد تکرار، نشان داده شده و بهترین عملکرد داده اعتبارسنجی شبکه‌ی عصبی، در تکرار ۷۵۹ اتفاق می‌افتد و مقدار آن برابر $9/2906$ می‌باشد.

مدل شبکه‌ی عصبی دوم در نرم افزار Matlab

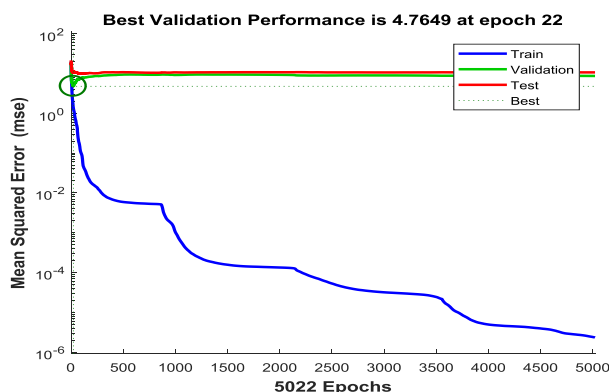
برای مدل‌سازی شبکه‌ی عصبی دوم، از یک مدل پرسپترون چندلایه (MLP) با یک‌لایه پنهان و ۲۵ نورون و تابع فعالیت

جدول ۳: آنالیز پارامترهای ارزیابی آماری و خطاها در شبکه‌ی عصبی دوم

پارامتر	آموزش	ارزیابی	آزمایشی	همه داده‌ها
R^2	$0/89668$	$0/36966$	$0/40865$	$0/73763$
RMSE	$1/1631$	$2/1828$	$3/3286$	$1/8511$



شکل ۵: هیستوگرام خطا برای شبکه‌ی عصبی دوم



شکل ۶: عملکرد شبکه‌ی عصبی دوم برحسب تعداد تکرار

دولایه پنهان و ۱۰ نورون در لایه اول و ۱۵ نورون در لایه دوم و تابع فعالیت TanAxon برای لایه‌های پنهان و LinearAxon برای لایه خروجی، استفاده شده است. داده‌های مورد استفاده برای این مدل شبکه‌ی عصبی به سه دسته آموزشی، ارزیابی و آزمایشی تقسیم‌بندی شده‌اند. بر این اساس، ۶۰ درصد داده‌ها برای آموزش و ۱۵ درصد داده‌ها برای ارزیابی و ۲۵ درصد داده‌ها برای آزمایش تعلق گرفت. در نهایت، این شبکه با استفاده از الگوریتم مومنتوم، آموزش داده شد. تعداد نورون‌های مورد استفاده در شبکه‌ی عصبی اول، با سعی و خطا و بهینه‌سازی برای لایه اول، ۱۰ نورون و برای لایه دوم ۱۵ نورون انتخاب شد. نتایج خروجی مدل‌سازی شبکه‌ی عصبی اول، طی جدول (۴) نشان داده شده است. کمترین مقدار MSE برای داده‌های آموزشی، در تکرار ۶۴۷ و برای داده‌های اعتبارسنجی، در تکرار ۶۵۵ بدست می‌آید و مقادیر آن‌ها به ترتیب، برابر ۰/۱۶۰۱ و ۰/۱۵۸۴ می‌باشد.

نمودار توزیع هیستوگرام خطا برای شبکه‌ی عصبی دوم، تمرکز داده‌های مربوط به آموزش را در محدوده ۱ و -۱ نشان می‌دهد و تعداد کمی از داده‌ها، مقادیر آن بیشتر از ۱ و -۱ دارند و نشان می‌دهد که شبکه به خوبی آموزش دیده است و میله‌های خطا نزدیک صفر است. در بخش داده‌های اعتبارسنجی نیز عمده توزیع خطاها در محدوده ۱ و -۱ می‌باشد و تعداد کمی از داده‌ها، از این محدوده خارج شدند. داده‌های آزمایشی نیز شرایط مشابه با بخش اعتبارسنجی دارند. تابع عملکرد شبکه‌ی عصبی اول برای ارزیابی مدل، MSE بوده و نمودار عملکرد شبکه، برحسب تعداد تکرار نشان داده شده است. بهترین عملکرد داده اعتبارسنجی شبکه‌ی عصبی، در تکرار ۲۲ اتفاق می‌افتد و مقدار آن برابر ۴/۷۶۴۴۹ می‌باشد.

مدل شبکه‌ی عصبی اول در نرم‌افزار Neuro-

Solution 5

برای مدل‌سازی داده‌ها در نرم‌افزار Neuro-Solution 5، از یک شبکه‌ی عصبی با مدل پرسپترون چندلایه (MLP) با



جدول ۴: عملکرد شبکه‌ی عصبی اول

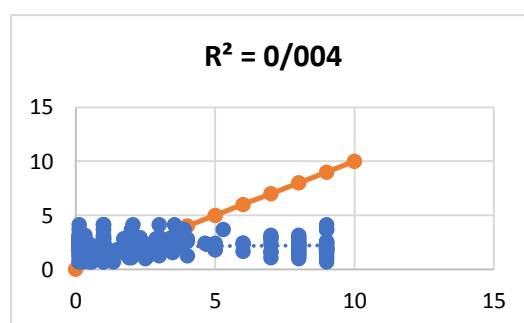
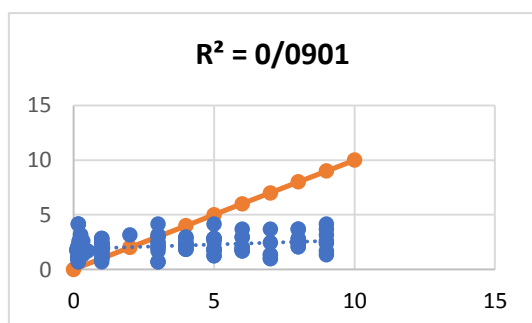
شبکه	آموزش	اعتبارسنجی
Run #	۱	۱
Epoch #	۶۴۷	۶۵۵
Minimum MSE	۰/۱۶۰۱۱۹۰۸۶	۰/۱۵۸۴۰۷۸۱۸
Final MSE	۰/۱۶۳۱۹۴۹۲۷	۰/۱۵۹۶۸۰۶۴۵

مومن‌توم، آموزش داده‌شده است. نتایج خروجی مدل‌سازی شبکه‌ی عصبی دوم، طی جدول شماره نشان داده‌شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، کمترین مقدار MSE برای داده‌های آموزشی، در تکرار ۹۱۴ و برای داده‌های اعتبارسنجی، در تکرار ۹۱۵ بدست می‌آید و مقادیر آنها، به ترتیب برابر ۰/۲۸۸۰ و ۰/۰۶/۵۹ می‌باشد.

مقادیر بدست آمده MSE برای داده‌های آموزش و داده‌های اعتبارسنجی، به نسبت تعداد داده‌ها خوب بوده لیکن داده‌های آموزش، به‌خوبی در شبکه پاسخ نداده و درنهایت مقدار r را برابر ۰/۰۷۹۸ نشان می‌دهد. داده‌های اعتبارسنجی و تست نیز مقادیر ضعیفی را نشان می‌دهد که در شکل ۸ مشخص می‌باشد.

جدول ۵- عملکرد شبکه‌ی عصبی دوم

شبکه	آموزش	اعتبارسنجی
Run #	۱	۱
Epoch #	۹۱۴	۹۱۵
Minimum MSE	۰/۰۶۵۹۶۷۳۶۵	۰/۲۸۸۰۳۲۹۳۷
Final MSE	۰/۰۶۷۳۷۴۶۵	۰/۲۸۸۹۹۲۳



(MATLAB) و نرم‌افزار (Neuro-Solution 5)، جهت پیش‌بینی اولویت استراتژی‌های ۸گانه‌ی موردنظر، مؤلفه‌ها،

مدل شبکه‌ی عصبی دوم در نرم افزار Neuro-

Solution 5

برای مدل‌سازی شبکه‌ی عصبی دوم، از یک مدل پرسپترون چندلایه (MLP) با دولایه پنهان و ۱۰ نورون در لایه اول و ۱۵ نورون در لایه دوم و تابع فعالیت TanAxon برای لایه‌های پنهان و LinearAxon برای لایه خروجی، استفاده گردیده است. داده‌های مورداستفاده برای این مدل شبکه‌ی عصبی نیز به سه دسته آموزشی، ارزیابی و آزمایشی تقسیم‌بندی شده‌اند. بر این اساس، ۶۰ درصد داده‌ها برای آموزش و ۱۵ درصد داده‌ها برای ارزیابی و ۲۵ درصد داده‌ها برای آزمایش تعلق‌گرفته و درنهایت، این شبکه، با استفاده از الگوریتم

در ادامه‌ی فرآیند مدل‌سازی‌های صورت پذیرفته برای شبکه‌ی عصبی مصنوعی اول و دوم بر پایه‌ی نرم‌افزار



معیارها و زیرمعیارهای امتیازی، برای یک سال آینده، توسط شبکه‌ی عصبی اول، پیش‌بینی شده و خروجی شبکه‌ی عصبی اول، به‌عنوان ورودی شبکه‌ی عصبی دوم، در نظر گرفته شده و نهایتاً بدین ترتیب، بر پایه‌ی خروجی شبکه‌ی عصبی دوم

جدول ۶: مقایسات زوجی استراتژی‌ها بر پایه‌ی مدل‌سازی‌های انجام شده

نرم‌افزار Neuro-Solution 5	نرم‌افزار Matlab	مقایسه‌ی زوجی استراتژی‌ها
۲/۰۷۰۲۶۳۷۱۹	۰/۲۶۰۸۰۵۱۴۳	طرح‌ریزی و پیاده‌سازی نظام جامع HSE-MS و عینیت‌بخشی به مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی ساختمان
۲/۴۵۰۵۶۷۳۷۷	۸/۹۸۰۰۵۷۱۶۶	طرح‌ریزی و پیاده‌سازی نظام جامع HSE-MS و توانمندسازی نظام مدیریت بحران
۱/۳۲۵۸۹۵۰۶۷	۸/۹۹۲۷۶۳۱۶۲	طرح‌ریزی و پیاده‌سازی نظام جامع HSE-MS و جایگزینی رویکردهای مسئله محور با برنامه محور
۲/۸۱۵۱۰۲۴۹۵	۷/۸۳۳۶۵۸۰۸۲۹	طرح‌ریزی و پیاده‌سازی نظام جامع HSE-MS و اصلاح سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق
۲/۰۰۳۴۱۸۰۳۱	۰/۱۳۱۲۶۴۵۱۶	عینیت‌بخشی به مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی و توانمندسازی نظام مدیریت بحران
۱/۶۶۲۲۷۱۶۳۸	۸/۲۶۳۴۸۵۹۵۴	عینیت‌بخشی به مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی و جایگزینی رویکردهای مسئله محور با برنامه محور
۱/۵۵۵۳۴۷۶۷۶	۰/۴۰۷۱۵۱۷۵۳	عینیت‌بخشی به مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی و اصلاح سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق
۲/۳۱۹۱۷۵۶۵۲	۱/۳۴۵۳۵۵۳۱۷	عینیت‌بخشی به مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی و اصلاح فضاهای فیزیکی طرح
۱/۸۲۸۸۱۶۲۹۱	۱/۵۸۳۹۶۲۵۲	عینیت‌بخشی به مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی و توسعه و بهبود مستمر نظام مدیریت ایمنی و بحران
۲/۳۹۹۰۸۳۲۴۷	۱/۳۵۲۹۱۸۱۵۳	عینیت‌بخشی به مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی و عینیت‌بخشی طرح طبقه بندی مشاغل
۱/۹۰۷۳۰۶۳۹۹	۸/۰۳۴۵۸۸۵۵۶	توانمندسازی نظام مدیریت بحران و جایگزینی رویکردهای مسئله محور با برنامه محور
۱/۸۶۱۶۸۶۸۶۶۲۳	۰/۸۸۸۷۷۵۱۱۲	توانمندسازی نظام مدیریت بحران و اصلاح سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق
۲/۸۱۹۳۷۹۹۵۷	۷/۶۹۰۳۵۴۲۰۴	توانمندسازی نظام مدیریت بحران و اصلاح فضاهای فیزیکی
۱/۸۱۴۶۵۷۰۵	۵/۸۶۹۹۷۴۶۵	جایگزینی رویکردهای مسئله محور با برنامه محور و اصلاح سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق
۲/۰۱۸۵۹۵۹۵۸	۶/۹۱۶۷۷۷۱۱۹	جایگزینی رویکردهای مسئله محور با برنامه محور و اصلاح فضاهای فیزیکی
۱/۶۸۲۵۹۴۷۵۸	۴/۳۷۲۵۰۸۳۷۳	جایگزینی رویکردهای مسئله محور با برنامه محور و توسعه و بهبود مستمر نظام مدیریت ایمنی و بحران
۲/۲۱۷۴۸۴۹۳۲	۸/۹۹۴۰۰۷۱۵۴	اصلاح سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق و اصلاح فضاهای فیزیکی
۱/۰۹۱۵۲۰۶۳۲	۷/۹۰۴۲۸۸۰۰۸	اصلاح سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق و توسعه و بهبود مستمر نظام مدیریت ایمنی و بحران
۳/۱۴۵۸۳۷۴	۴/۰۹۸۲۷۱۸۴۸	اصلاح سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق و عینیت‌بخشی طرح طبقه‌بندی مشاغل
۱/۶۸۵۱۲۶۸۷۸	۸/۹۸۲۲۲۱۶۶	اصلاح فضاهای فیزیکی و عینیت‌بخشی طرح طبقه‌بندی مشاغل
۴/۱۴۴۸۲۸۲۱۴	۸/۶۴۹۴۸۸۹۲۴	توسعه و بهبود مستمر نظام مدیریت ایمنی و بحران و عینیت‌بخشی طرح طبقه‌بندی مشاغل

HSE-MS در طرح آفتاب و در خروجی نرم‌افزار Neuro-Solution 5، این موضوع کمی متفاوت بوده، به‌گونه‌ای که سه استراتژی نخست و دارای اهمیت آن عبارت بوده است از:

رتبه‌ی (۱)- استراتژی توسعه و بهبود مستمر نظام مدیریت ایمنی و بحران در طرح آفتاب

رتبه‌ی (۲)- استراتژی عینیت‌بخشی طرح طبقه‌بندی مشاغل در طرح آفتاب

بررسی‌ها از نتایج دو بار عملیات تخصیص داده‌ها برای یک سال آتی شرایط پروژه حکایت از این دارد که در خروجی نرم افزار Matlab، سه استراتژی نخست و حائز اهمیت آن عبارت بوده‌اند از:

رتبه‌ی (۱)- استراتژی اصلاح سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق در طرح آفتاب

رتبه‌ی (۲)- استراتژی اصلاح فضاهای فیزیکی در طرح آفتاب

رتبه‌ی (۳)- استراتژی طرح‌ریزی و پیاده‌سازی نظام جامع



رتبه‌ی (۳) - استراتژی طرح‌ریزی و پیاده‌سازی نظام جامع HSE-MS در طرح آفتاب

نتیجه‌گیری

تحلیل و مقایسه‌ی تطبیقی نتایج دو مرحله مدل‌سازی صورت پذیرفته از نحوه‌ی پیش‌بینی آینده اولویت‌بندی وزنی - امتیازی سناریوها (استراتژی‌ها)ی هشت‌گانه طرح آفتاب (۳) گرگان، حاکی است که:

۱- الگوریتم و مدول شبکه‌ی عصبی مصنوعی در محیط نرم‌افزاری Matlab، از قابلیت شایان توجهی در فرآیند نرمال‌سازی داده‌ها، برخوردار است و این مسئله، اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای در امر نقش‌آفرینی عینی و همسان‌سازی مقیاس کلیه داده‌ها جهت اتخاذ تصمیمات راهبردی - عملیاتی برای طرح مجتمع تجاری آفتاب گرگان، از منظر ریسک حریق دارد.

۲- نرم‌افزار Neuro-Solution 5، از قابلیت شایان توجهی در ساختار و معماری شبکه‌های هوش مصنوعی و شبکه‌ی عصبی، برخوردار است و این مسئله، اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای در تحلیل‌های درون‌شبکه‌ای و برقرارسازی روابط علی - معلولی جهت اتخاذ تصمیمات راهبردی - عملیاتی برای طرح مجتمع تجاری آفتاب گرگان، از منظر ریسک حریق دارد.

۳- نتیجه‌ی پیش‌بینی امتیازی و رتبه‌دهی وزنی هر دو نرم‌افزار Neuro-Solution 5 و Matlab برای استراتژی‌های هشت‌گانه موردنظر، برای استراتژی‌های حائز رتبه‌های (۳) و (۸)، یکسان بوده و این نشان می‌دهد که حساسیت دو استراتژی "طرح‌ریزی و پیاده‌سازی نظام جامع HSE-MS" و "عینیت‌بخشی به مباحث ۲۲گانه مقررات ملی ساختمان" در طرح مجتمع تجاری آفتاب (۳) گرگان، بر پایه‌ی دو مدل مزبور، یکسان است.

۴- نتایج تجزیه و تحلیل دو نرم‌افزار مورد استفاده بیانگر این موضوع است که، رویکرد منطقی و عقلایی جهت اتخاذ تصمیمات راهبردی مورد انتظار برای طرح آفتاب (۳) گرگان، خوشه‌بندی ترکیبی و تلفیقی اولویت‌های اول تا سوم استراتژی‌های پیش‌بینی شده در قالب خروجی‌های نهایی دو مدل

اجراشده، بوده است. لذا با توجه به درجه بالای سازگاری (نرخ قابل‌ملاحظه‌ی تجانس)، امکان هم‌پوشانی و نیز ضرورت مبرم هم‌افزایی آن‌ها از منظر حساسیت حیاتی موضوع (ریسک حریق در این مجتمع تجاری شاخص در سطح استان گلستان)، نیاز به طراحی استراتژی تلفیقی جدید برای مدیریت ریسک آتش بوده است.

استراتژی ترکیبی و تلفیقی و نهایی واجد جامعیت و مانعیت مورد انتظار عبارت است از: "اتخاذ رویکرد مدیریت سیستمی و راهبردی - عملیاتی ریسک حریق در طرح مجتمع تجاری آفتاب (۳) گرگان، با اهتمام ویژه نسبت به بهینه‌سازی فضاهای فیزیکی و سیستم‌های اعلام و اطفاء حریق و همچنین پیاده‌سازی نظام طبقه‌بندی مشاغل و تعالی مستمر نظام HSE-MS و مدیریت بحران"

سوابق ملی و بین‌المللی مطالعاتی عمدتاً ناظر بر فاکتورهای ر علوم جنگلداری و کشاورزی ولیکن در خصوص مطالعه اینجانب از جهت باخوردگی حوادث احتمالی در آن‌ها از اهمیت مضاعفی در سطح ملی و جهانی داشته و بسیار نادر است و مؤید این موفقیت است که مدل‌های مبتنی بر شبکه‌های عصبی مصنوعی به‌عنوان پرکاربردترین و کارآمدترین مدل‌ها مطرح می‌باشد.

لذا می‌توان چنین ادعا کرد که تحقیق حاضر سعی دارد خلا و شکاف علمی و فنی موجود را در این زمینه‌ی تخصصی فراگیر را مرتفع سازد و بدین لحاظ به‌واسطه‌ی دیدگاه بدیع و رویکرد استراتژی محور خود، از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای در عرصه‌های ملی و بین‌المللی برخوردار می‌باشد.

محدودیت‌های تحقیق: رئوس انواع چالش‌های اساسی و محدودیت‌های راهبردی در مسیر روش‌شناختی و فرایند متودولوژیک پژوهش حاضر که علاوه بر نقش بازدارندگی و ایجاد مانع، تمامی تلاش خود را در جهت رفع و تسهیل آن‌ها به کار بسته‌ایم، عبارت‌اند بودند از: کمبود منابع علمی فارسی و انگلیسی قابل‌دسترسی در حوزه‌های مدیریت استراتژیک ریسک حریق و همچنین مدل‌سازی ریسک حریق در مجتمع‌های اداری - تجاری، محدودیت دسترسی محقق به آرشیو حوادث مشابه و



مشارکت نویسندگان

طراحی پژوهش: ب. م.
جمع‌آوری داده‌ها: م. ن.
تحلیل داده‌ها: ب. م.، م. ن.
نگارش و اصلاح مقاله: ب. م.، ر. ج.، م. ن.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

مرتبط در سازمان در شهرستان گرگان، محدودیت دسترسی محقق به اطلاعات و داده‌های فنی، طراحی و اجرایی گرگان به بخش خصوصی، محدودیت ناشی از عدم اشراف تعدادی از افراد منتخب به‌عنوان گروه‌های هدف پرسشنامه دلفی و... .

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله از مدیرعامل و کارشناسان شرکت عمران و بافت فرسوده گرگان که در راستای این پژوهش همکاری و مشارکت داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع

1. Statistics of Fires and their analysis – Moscow, Russia. Fire Safety; 2018.
2. Shubiri installation m; Journal of Safety, Health, Environment. 2015;13 (53). [persian]
3. Fire and rescue statistical release. Great Britain. Department for Communities and Local Government; 2018.
4. Annual report. New Zealand Fire service commission. Wikipedia; 2018.
5. Maghsoudloo B, Maghsoudi .Development of spatial and sustainability, principles and models of strategic stabilization. Tehran: Talab ;2016; 42- 50.[persian]
6. Soltani S, Keymanesh K, Sardari S. In silico analysis of antifungal peptides: determining the lead template sequence of potent antifungal peptides. Expert Opinion on Drug Discovery. 2007;2(6):837-47.
7. Soltani S, Keymanesh K. Evaluation of structural features of membrane acting antifungal peptides by artificial neural networks. 2008,8(5), 834-845.
8. Clarke A, Miles JC. Strategic Fire and Rescue Service decision making using evolutionary algorithms. Advances in Engineering Software.
- 2012; 50:29-36.
9. Wu D, Olson DL, Dolgui A. Artificial Intelligence in Engineering Risk Analytics. Engineering. Applications of Artificial Intelligence. 2017;65:433-5.
10. Wu D, Olson DL, Dolgui A. Artificial intelligence in engineering risk analytics. 2017.
11. Dumollard G. Multiple-stand forest management under fire risk: Analytical characterization of stationary rotation ages and optimal carbon sequestration policy. Journal of Forest Economics. 2018;32:146-54.
12. Guettouche MS, Derias A, Boutiba M, Guendouz M, Boudella A. A fire risk modelling and spatialization by GIS. Journal of Geographic Information System. 2011;3(03):254.
13. Freitas MC, Xavier A, Fragoso R. Integration of fire risk in a sustainable forest management model. Forests. 2017;8(8):270.
14. Costa Freitas MdB, Xavier A, Fragoso R. Integration of fire risk in a sustainable forest management model. Forests. 2017;8(8):270.
15. Moshashaei P, Alizadeh SS. Fire risk assessment: a systematic review of the





- methodology and functional areas. Iranian journal of health, safety and environment. 2017;4(1):654-69.
16. Moradi S, Soltani S, Ansari AM, Sardari S. Peptidomimetics and their applications in antifungal drug design. *Anti-Infective Agents in Medicinal Chemistry (Formerly Current Medicinal Chemistry-Anti-Infective Agents)*. 2009;8(4):327-44.
17. Pukała R. Use of neural networks in risk assessment and optimization of insurance cover in innovative enterprises. *Engineering Management in Production and Services*. 2016; 8(3):43-56.
18. Medicinal Chemistry, 7, 181-189. Xin J, Huang C. Fire risk analysis of residential buildings based on scenario clusters and its application in fire risk management. *Fire Safety*. 2013;62:72-8
19. Xin, J., Huang, c. (2013). Fire risk analysis of residential buildings based on scenario clusters an its application in fire risk management. *Fire Safety Journal*, 62, 72-78.
20. Sakr GE, Elhajj IH, Mitri G ,Wejinya UC, editors. Artificial intelligence for forest fire prediction. 2010 IEEE/ASME International Conference on Advanced Intelligent Mechatronics; 2010: IEEE.
21. Sardari S, Dezfulian M. Cheminformatics in anti-infective agents discovery. *Mini Reviews in Medicinal Chemistry*. 2007;7(2):181-9.
22. Soltani S, Dianat S, Sardari S. Forward modeling of the coumarin antifungals; SPR/SAR based perspective. *Avicenna journal of medical biotechnology*. 2009;1(2):95.
23. Soroush S, Saeed S. Neural Network Modeling in Dithiothreitol Reduction and Ion Treatment of Recombinant Human Insulin Obtained from the Circular Dichroism (CD) Spectral Information. *The Open Bioinformatics Journal*. 2009;3(1).



Strategic Decision Making in Fire Risk Management in Aftab Gorgan Commercial Complex using Artificial Intelligence Model

Bijan MAGHSOUDI KAMAL¹, Reza JAFARI NODOUSHAN², Mohammad NOURI^{3*}

Abstract

Original Article



Received: 2019/11/17

Accepted: 2020/07/02

Citation:

B MAGHSOUDI
KAMAL, R JAFARI
NODOUSHAN. strategic
Decision Making in Fire
Risk Management in
Aftab Gorgan
Commercial Complex
Using Artificial
Intelligence Model.
Occupational Hygiene and
Health Promotion 2020;
4(3): 196-209.

Introduction: Today, commercial complexes are among the most important shopping centers in cities that account for one of the most important urban development infrastructures. Evaluation and management of fire is essential to prevent accidents and disasters such as fires. Due to the increased population density and slow access to safe and secure outdoor space during the disaster, human casualties and financial losses have increased. The aim of this study was to make strategic decisions in fire risk management in Aftab Gorgan commercial complex using artificial intelligence model.

Method: In this study, all technical documentation, including technical-physical and urban properties as well as notification and extinguishing system of the commercial complex under study were investigated. Later, the important and influential components of the design were identified, paired, weighted, and compared using Delphi questionnaires. In the next stage, the SWOT matrix was applied and quadratic strategies were designed and modeled after designing a hierarchical tree to model and prioritize the strategies.

Results: According to the outputs of the performed modeling using Matlab and Neuro-Solution 5 software, we found that in weighting and ranking of the eight designed strategies, only one strategy was ranked (and has equal priority) in both models and other scenarios were different. Therefore, integrating strategies for fire risk management was considered essential.

Conclusion: The findings showed that the strategy of adopting the systematic and strategic-operational management approach of fire risk in Gorgan Aftab 3 Complex design were the most ideal possible strategies. This was due to the special attention paid to optimization of physical spaces and fire alarm systems as well as implementation of business classification and continuous excellence system of HSE-MS and crisis management.

Keywords: Strategic Decision Making, Fire Risk, Artificial Intelligence, Business Complexes, Modeling

¹ HSE Department, School of Agriculture and Natural Resources, Islamic Azad University, Meybod Branch, Meybod, Iran

² Health Management Group; Safety and Environment; School of Health; Shahid Sadoughi University of Medical Sciences and Health Services, Yazd, Iran

³ Master of Environmental Management (HSE), Islamic Azad University, Meybod Branch, Meybod, Iran
*(Corresponsible author: mohammadnouri12@gmail.com)

